

بالاترین جد مصدق آقا محسن آشتیانی بود. وی سه ازتن پسرانش را برای کار آموزی به شیراز فرستاده بود. میرزا کاظم، هاشم خان، آغاسی بیک. ظاهرا این پسران از سه مادر مختلف بوده اند که نام های مشابهی ندارند. هاشم خان و آغاسی بیک ارتباطی با محمد مصدق ندارند. از این فامیل وثوق الدوله و مشیر الدوله که عمو زاده های محمد مصدق بحساب می آیند بچود آمده اند.

آغا محمد خان قاجار در روز های اقامتش در شیراز در هنگام زنده بودن کریم خان زند تمرین پادشاهی میکرد و در نظر گرفته بود که چه کسانی را برای همکاری با خود همراه کند. سه تن از فرزندان آقا محسن آشتیانی جزو آن گروه بوده اند. وقتی کریمخان فوت کرده این سه نفر به تهران منتقل شده اند. حتی این سه تن بعد از کشته شدن آغا محمد خان به دوره محمد شاه منتقل شده و مرتب زیر نظر بوده اند.

میرزا کاظم چند فرزند داشت؛ از جمله آنها میرزا حسن و میرزا حسین میباشند. میرزا حسن تاز مان محمد شاه ترقی میکند و همیشه دلش میخواست مستوفی الممالک شود. اما حاج میرزا آغاسی همواره این شخص را کنار میزده ولی این شخص بدون اجازه شاه و نخست وزیر همواره از مهر مستوفی الممالکی استفاده میکرد است. حاج میرزا آغاسی از این رفتار او خشم گین شده و به شاه شکایت میبرد. محمد شاه میگوید: "این مرد پشت دروازه هرات بما نان داد و صلاح نیست ما نان را از خانواده او قطع کنیم". داستان این بوده که محمد میزاولی بعد در سفر هرات همراه گروهی نشسته و به چانه زنی پرداختند و طرف های صحبت تا دیر وقت میمانند و ولیعهد و قائم مقام او متوجه میشوند خارج از نزاکت است میهمانان را بدون شام رها سازند. و چون پیش بینی لازم در لشکر نشده بود و وقت کم بود نمیدانستند چگونه میهمان نوازی با بجا آورند که همین میرزا حسن که در آنجا بوده و امکاناتی در اختیار داشته از موضوع باخبر میشود و بدون نظر قائم مقام و ولیعهد شام حاضر میکند و آبروی ولیعهد را می خرد. البته این کار را برای خوش خدمتی میکند.

میرزا حسین پدر میرزاهدایت الله است که پدر مصدق میباشد. دختر میرزا حسن زن پسر میرزا حسین هدایت الله میشود. یعنی دختر عمو و پسر عمو باهم ازداج کرده و حاصل آن محمد مصدق است.

میرزا حسن، میرزا یوسف که روسوفیل (طرفدار روس ها بوده اند) با میرزا هدایت الله اختلافاتی داشتند که این اختلافات منجر میشود که میرزا هدایت الله به تلافی و به دهن کجی به سمت انگلیس ها کشیده میشود و برخلاف برادر زنش و پسر عمویش آنگلوفیل میشود.

ناصر الدین شاه در آنزمان بزرگترین و ننگین ترین امتیاز را به یک شخص انگلیسی بنام بارون دو رویتر میدهد. این شخص تمام امتیاز احداث راه آهن و تراموا که محصول آن فقط ماشین دودی شاه عبدالعظیم میشود، امتیاز معادن ایران بجز معدن طلا و نقره، انتشار اسکناس، و امتیاز های دیگر را میدهد که این امر حتی مورد شگفتی انگلیسی ها و بارون دو رویتر را فراهم میکند. این لقمه بزرگتر از دهن انگلیسی ها بوده و نمی دانستند از آن چگونه استفاده کنند. در مقابل انگلیس می پذیرد و اوای به مبلغ شش (۶) میلیون لیره انگلیسی با بهره ۵٪ به مدت هفتاد سال به ایران بدهند.

اعتای چنین امتیازی به بارون از شاهکار های میرزا حسین خان سپهسالار است. این بارون بنیان گذار خبر گزاری رویتر است که هنوز هم به همین نام فعال میباشد.

وزارت دفتری شاه به میرزا هدایت الله داده شده بود؛ در حالیکه مستوفی الممالکی بالاتراز وزیر دفتر میباشد. وزیر دفتر وقت مامور رسیدگی به مالیات های کشوری بوده در حالیکه تمام دیوان محاسبات در اختیار مستوفی الممالک بوده است. پس از انتصاب مستوفی الممالکی به میرزا حسن این شغل در خانواده او موروثی میشود و تمام مستوفی الممالک ها از خانواده میرزاحسن انتخاب میشوند. این شخص جد پدری مصدق است و بعد ها خواهیم دید که چگونه مصدق هم به وزارت مالیه میرسد و اولین و ننگین ترین دریافتی از بابت قرار داد بسیار ننگین ۱۹۱۹ (آرمیتاژ سمیت) را می پذیرد!

مادر مصدق شخصی بود به اسم نجم السلطنه. این شخص دختر فیروز میرزا نصرت الدوله است و نصرت الدوله پسر عباس میرزا ولعهد قاجار میباشد. نجم السلطنه دختر عموی ناصر الدین شاه هم به حساب میآید. تاریخ تولد نجم السلطنه در هیچ جا و کتابی و در هیچ جای تاریخ قید نشده است. در حالیکه در آن زمان همه خانواده های قرآن خانگی داشته اند و همواره تاریخ تولد فرزندان را پشت جلد قرآن ثبت میکردند. در تحقیق هانی که بعمل آمده برگ اظهار نامه ولادت در پرونده محمد مصدق پیدا شده که بخط خود مصدق است که در تاریخ دهم (۱۰) اسفند ۱۲۹۷ خورشیدی تنظیم شده است سن مادرش را شصت سال قید نموده است. این تاریخ برابر میشود با ۱۲۳۷ خورشیدی برابر با ۱۲۷۴ قمری.

مرتضی قلی خان ثانی وکیل الملک در کرمان زندگی میکرد. وقتی حاکم بعدی در کرمان به او سخت میگیرد به تهران می رود و با نجم السلطنه ازدواج میکند (۱۲۸۴ قمری) در حالیکه شوهر در سن بسیار بالا بوده نجم السلطنه فقط ۱۲ سال داشته است. نجم السلطنه دختر یکی از ثروتمندان ایران، به زیبایی مشهور، به یک پیر مرد داده میشود که این مسئله اگر آن زمان سنوال بر انگیز نبوده امروز مورد پرسش قرار میگیرد که چرا؟ این قضیه سنوال بر انگیز میشود زیرا دختر بچه ای با این ثروت به شخصی شوهر داده میشود که بیش از هفتاد سال داشته و در ضمن به عنوان هدیه عروسی شهاب الملک را از کرمان احضار و حکومت کرمان را نیز با او میدهند! همسر جوان با تشریفات خاص به کرمان وارد میشود در آن زمان که کالسکه کم دیده شده بود عروس پاکالسکه وارد میشود و مردم برای تماشا در تمام مسیر جمع میشوند. نجم السلطنه از این شوهر صاحب دو دختر میشود؛ عشرت الدوله و شوکت الدوله. چند سال بعد (۱۲۹۵ قمری) در حالیکه مرتضی قلی خان وکیل الملک کور شده بود او را احضار و شهاب الملک دوم را بجای او به کرمان میفرستد.

نجم السلطنه جوان که شوهرش در بستر بیماری و کور بود میهمان دارد ناصر الدین شاه میشود. بعد ها با مرد دیگری که او هم بیش از ۷۷ سال داشته بنام میرزا هدایت الله خان (پسر میرزا حسین) ازدواج میکند. وقتی با میرزا هدایت الله خان ازدواج میکند فقط ۲۲ سال بیشتر نداشته است! خود محمد مصدق اقرار نموده است که هدایت الله خان در سن ۸۰ سالگی ازدواج کرده است! در سال ۱۳۱۰ میرزا هدایت الله به مرض وبا فوت میکند. نجم السلطنه بعدا زن مرد دیگری بنام میرزا فضل الله دیبا میشود! این خانواده در آذربایجان به خانواده دیبا مشهور شده است. بعد هابه اشتباه لقب طباطبائی را برای خود انتخاب کرد که بهیچوجه نسب خانواده دیبا به طباطبائی ها نمیرسد!

در کتابی بنام نو یافته ای در مورد محمد مصدق که گراوری از اظهار نامه ولادت مصدق در آن چاپ شده آمده است که مصدق در سال ۱۲۵۸ خورشیدی متولد شده است. گفتیم که مادرش در سال ۱۲۳۷ خورشیدی (۱۲۷۴ قمری) دنیا آمده بنابراین این مصدق با مادرش دقیقا ۲۱ سال اختلاف سن دارد در حالیکه پدر مصدق با مادرش نجم السلطنه در سن ۲۲ سالگی ازدواج نموده!!!

وقتی مصدق ورقه اظهار نامه ولادت را پر کرده است ۳۹ ساله بوده است و چرا آنرا پر کرده؛ دلینش بحث مربوط به اشکالات انتخاباتی بوده است.

میدانیم که رضا شاه قاتون سجد و احوال را در سال ۱۳۰۵ رواج داده است و از طرفی میدانیم که در زمان وثوق الدوله شرانطی فراهم بوده که خانواده های بخصوصی از جمله مصدق در سال ۱۲۹۷ قمری اسناد سجلی دریافت کرده اند؛ این فقط از این بابت بوده که برای دریافت گذرنامه (تثکره) نیاز به مشخصات فردی بوده است! چون محمد مصدق در آن زمان عازم سونیس بوده به مشخصات سجلی نیاز داشته است.

مصدق در کتاب خاطرات خودش مینویسد: " در زمان ناصر الدین شاه ۱۲ سال داشتم که به من لقب داد" این ثابت میکند که مصدق در ۱۲۵۸ خورشیدی متولد شده است

بزرگترین سندی که در دست است عکس سنگ قبر وکیل الملک ثانی است که در نجف میباشد؛ و در روی آن نوشته شده: "وفات مرحوم وکیل الملک ثانی ۱۸ شهر جمادی الثانی ۱۲۹۶ قمری" بنابراین این نشان میدهد که مصدق نمیتوانسته در آن سال ۱۲۵۸ خورشیدی دنیا آمده باشد زیرا اگر نجم السلطنه بعد از مرگ شوهرش چهار ماه و ده روز عده نگاه داشته باشد در این صورت متوجه میشویم که مصدق در زمان دیگری متولد شده!!!

در بررسی های تاریخی به این نتیجه میرسیم که بار ها نجم السلطنه که دختر عموی ناصرالدین شاه بوده بار ها در موارد مختلف میهماندار مظفر الدین میرزا بوده است و وقتی تاریخ آن میهمانی ها را با تاریخ های دیگر کنار هم قرار دهیم جوابی بدست می آید که بسیار شگفت آور است. البته گفتنی است که خواهر دیگر نجم السلطنه بنام سرور السلطنه یا حضرت علیا زن مظفر الدین میرزا بوده است و طبعا خواهر زن میتواند بهترین میهماندار شوهر خواهر بوده باشد. تطبیق تاریخ های میهمانداری نجم السلطنه با تاریخ های بارداری او بسیار محاسبه دقیقی است که آنرا به خواننده واگذار میکند.

نجم السلطنه از قرار چهار فرزند دنیا آورده است؛ یکی فوت میکند، دیگری محمد مصدق است، و خواهر مصدق (دفتر الملوک) و دیگری ابولحسن دیبا. هدایت الله خان در هنگام تولد محمد مصدق ۷۸ ساله بوده!! و در زمان تولد فرزند دوم ۸۰ ساله میبوده است.

خلاصه شده از گفتار رادیونی آقای مهدی شمشیری
۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴ برابر با ۹ مهر ماه ۲۵۶۳ (۱۳۸۳)

پنجم اکتبر ۲۰۰۴
۱۴ مهرماه ۲۵۶۳ (۱۳۸۳)